

ولایت رضوی در آئینه اشعار شاعران عرب و فارسی زبان

دکتر مصطفی فقیه اسفندیاری

عضو هیات علمی دانشگاه علوم اسلامی رضوی، مشهد، ایران

سارا زمانی رنجبر گرمرودی (نویسنده مسئول)

دانشجوی دکتری تاریخ اسلام، دانشگاه پیام نور واحد قشم، قشم، ایران

چکیده

از جمله اهداف شعری مهم که در آثار شاعران عرب و فارسی زبان، نمود بیشتری دارد، می‌توان به مدح، رثا و نشر فضائل و کرامات امامان معصوم (ع)، به‌ویژه امام رضا (ع)، اشاره نمود.

منور نمودن شعر و ادب به فضائل و مناقب ائمه اطهار (ع)، همواره مورد توجه شاعران بوده است و این امر، بیانگر اعتقاد و احترام به این بزرگواران و حریم ولایت آنان است.

شاعران دوستدار و پیرو اهل بیت (ع)، از شعر، به عنوان ابزاری برای معرفی اسلام نقش رهبری الهی، مقام امامت و ولایت امامان معصوم (ع) و نیز بیان مظلومیت آن‌ها، بهره برده‌اند.

نقش ولایت رضوی در آینه شعر و ادب، اوضاع اجتماعی، سیاسی و فرهنگی عصری که شاعران در آن می‌زیستند، تاثیرگذار بوده، اما شرط کامل به شمار نیامده، در کنار این عامل، گرایش‌های مذهبی و حالات و روحیات این افراد نیز، نقشی اساسی داشته است.

واژگان کلیدی: امام رضا (ع)، شاعران عرب و فارسی زبان، دعبل، ابونواس، ابراهیم بن عباس الصولوی، سنایی غزنوی، جامی.

مقدمه

ورود امام رضا (ع) به ایران در آغاز قرن سوم هجری، سرآغاز تحول فکری، فرهنگی و هنری در ساحت زندگی مردم این سرزمین به شمار می‌آید. به گونه‌ای که با حضور آن حضرت، مردم ایران به ویژه خراسان که از پیش، دوستدار خاندان رسالت بودند، محبت و ارادتشان به اهل بیت (ع) بیشتر شد و بعد از شهادت آن حضرت، مدفن ایشان به عنوان یکی از پایگاه‌های مهم تشیع و کانون عشق و معنویت، برای تجلی ارادت به ساحت قدسی علی بن موسی الرضا (ع) گردید.

شعر در میان آثار ادبی، در عصر حضور ائمه (ع)، به عنوان بهترین وسیله‌ی تبلیغ فرهنگ و اندیشه، به شمار می‌رفت که می‌توانست به سرعت، در همه‌جا منتشر شود و به آسانی در خاطره‌ها نقش ببندد. اهمیت شعر و جایگاه آن، به خاطر اثربخشی عمیقش در دل انسان‌ها، همواره مورد توجه پیامبر (ص) و ائمه اطهار (ع) بوده است. تلاش بعضی از شاعران عرب و فارسی زبان بر آن بوده است تا فضائل، مناقب و حقانیت این رهبران الهی را با زبان رسای شعر، به فرهنگ جامعه بشری، به ویژه شیعیان و پیروان آن بزرگواران، منتقل سازند. از همین رو، ائمه اطهار (ع)، از جمله امام رضا (ع)، به شاعرانی که رسالت شعر را مراعات می‌کردند، ارج می‌نهاد و هدایایی را به آن‌ها تقدیم می‌نمود.

پژوهش حاضر، سعی در بررسی اشعار شاعران عرب و فارسی زبان و اشعار آنان، راجع به فضائل اخلاقی و کرامات امام رضا (ع)، دارد و تلاش می‌کند برای این سوال اصلی، پاسخ‌هایی احتمالی ارائه دهد:

* شاعران عرب و فارسی زبان، چه نقشی در اثبات حقانیت ولایت امام رضا (ع)، داشته‌اند؟

مقام و منزلت امام رضا (ع) در آثار منظوم

شاعران مسلمان که در طول تاریخ، ارادت خود را به اهل بیت (ع) نشان داده‌اند، در زبان شعری خود نیز از مدح و ستودن ائمه (ع) بی‌بهره نبوده‌اند. آنان در آثار منظوم خود، از قرآن و حدیث الهام گرفته، و از سخنان پندآموز و سودمند که نشان‌دهنده روح انسان کامل است دریغ ننموده و آنها را با ذوق شعری خود، درآمیخته‌اند.

زیباترین جلوه تجلیل از هنر و به‌ویژه شعر، در دوران امامت امام رضا (ع) وجود دارد و ایشان همواره حامی و مشوق شاعران متعهد شیعی بودند. (کنگره جهانی حضرت رضا علیه السلام، ۱۳۶۵: ۵۷۳) برخوردارهای زیبا و تمجید امام رضا (ع) از شاعران و ملاطفت با آنان، امتداد همان روش رسول اکرم (ص) و ائمه اطهار (ع) بود که زبان شعر را ماندگارترین و موثرترین روش برای ثبت، و ضبط، و انتقال مفاهیم عالی دینی می‌دانستند. (آیینه‌وند، ۱۳۵۹-۱۳۶۲: ۱۱۹؛ بستانی، ۱۳۷۸: ۵۲)

امام رضا (ع) می‌فرماید: «هرگز نشده که مومنی در مدح ما شعری بگوید مگر آن‌که حق تعالی در بهشت از برای او شهری به هفت مرتبه وسیع‌تر از دنیا بنا فرموده است و فرشته مقربی و هر پیامبر صاحب کتابی آن مومن را در آن شهر زیارت می‌کند». (ابن بابویه، ۱۳۷۲: ۹)

در قرن چهارم هجری در ایران، شعرآیینی در مدح و منقبت خاندان پاک پیامبر (ص) به وجود آمد و بدین گونه، راه برای ظهور شاعران شیعی، برای به تصویر کشیدن عظمت، حقانیت و مظلومیت اهل بیت (ع) هموارتر شد. (همایی، ۱۳۴۰: ۵۱۱) این روند، با ظهور دولت‌های شیعی مانند آل بویه و صفویه شتاب بیشتری یافت. در این دولت‌ها با پدید آمدن فضای مساعد برای شیعیان، بر شمار شاعران متعهد شیعی افزوده شد و آن‌ها توانستند اندیشه‌ها و احساسات خویش را درباره خاندان عصمت و طهارت، با آرامش و بدون ترس، به زبان شعر درآورند و برخی از شعرهای خود را به ستایش هشتمین امام (ع) زینت بخشیدند. (کنگره جهانی حضرت رضا علیه السلام، ۱۳۶۵: ۵۷۴)

از این دوران به بعد در ادبیات فارسی، آفرینش آثار ادبی متعددی در ستایش کرامات امام رضا (ع) مشاهده می‌شود. از طرفی دیگر، درک تاریخی حضور امام رضا (ع) در خراسان آن روز و

همچنین وجود مرقد آن حضرت(ع) در خاک خراسان و ایران، بیش از هر چیز دیگری در شدت علاقه شاعران فارسی زبان تاثیر داشته است. حدیث سلسله الذهب، واقعه‌ای است که نه تنها در عصر حضور امام رضا(ع)، بلکه در همه اعصار و قرن‌های پس از آن، همواره مورد استقبال سخنوران نکته سنج و هنرمندان قرار گرفته است و با الهام از این واقعه، آثار بسیار ارزنده‌ای را به وجود آوردند. در واقع، این استقبال شورانگیز، اظهار ارادت و ویژه‌ای به ساحت مقدس ثامن الائمه(ع) بود که ایشان، همانند اجداد بزرگوارشان، در شمار فصیح‌ترین و بلیغ‌ترین مردمان عصر خود بودند.

در این مقاله، به بررسی اشعار شاعران عرب، مانند: دعبل خزاعی، ابونواس، ابراهیم بن عباس الصولی و اشعار شاعران فارسی زبان، مانند: سنایی غزنوی و جامی، که راجع به امام رضا(ع) به سرودن شعر پرداخته‌اند، اشاره می‌شود

اشعار شاعران عرب در مدح و رثای امام رضا (ع)

۱- ابونواس

حسن ابن هانی معروف به «ابونواس»، از ادیبان و شاعران معروف شیعی، معاصر با عصر امام-رضا(ع) بود. وی در سال(۱۴۵هـ.ق) در اهواز به دنیا آمد. ابن منظور در کتاب *لسان العرب* می-نویسد: «ابونواس شیعه بوده اما تقیه می‌کرد و به اهل بیت پیامبر(ص) تمایل زیادی داشت اما جرات اظهار دوستی اهل بیت (ع) را به طور علنی نداشت». (امین، ۱۴۰۶هـ.ق: ج ۵، ۳۳۴)

ابونواس، نقش مهمی در پیشرفت ادبیات شیعه داشت و از بارزترین شاعران عصر عباسی بود. وی از طریق ذوق ادبی و اسلوب زیبا در کلامش، می‌توانست در جامعه آن روز، تاثیر زیادی بگذارد. از او، دیوان شعری باقی مانده است که شیخ آقا بزرگ تهرانی آن را از تصانیف شیعه ذکر می‌کند. (آقا بزرگ طهرانی، ۱۴۰۸هـ.ق: ج ۳، ۱۴۰)

از علی بن محمد نوفلی نقل شده است: پس از آن‌که امام رضا(ع) به خراسان آمد، شاعران در ابتدا، به محضر ایشان شرفیاب می‌شدند و آن حضرت را مدح می‌کردند. و مامون، ناگزیر به خاطر

مدح امام (ع)، به آنان صلہ و پاداش می‌داد و آن‌ها از شعرای معروف بودند که همه آمدند و در مدح امام‌رضا (ع) شعر خواندند.

به جز ابونواس، که از شاعران بزرگ عصر بود. وقتی مامون از ابونواس پرسید: چرا شعری در منزلت علی بن موسی الرضا (ع) نسروده است؟ شاعر هم، در پاسخ به این سخن، به زبان شعر، چنین سرود:

قُلْتُ لَا اهْتَدَى لِمَدْحِ اِمَامٍ كَانَ جِبْرِئِيلَ خَادِمًا لِابِيهِ

در آن اندازه نیستم که امامی را که جبرئیل، خادم جد بزرگوارش بوده مدح گویم. این سخن در قالب شعر و در برابر مامون بیان شد. (قمی، ۱۳۸۱: ج ۱، ۱۶۸) و نیز اثر دیگری که ابونواس، در دیدار با امام رضا(ع) در مرو به ایشان تقدیم نموده است، به مرتبه الهی آن حضرت اشاره دارد که هدف، حدیث «سلسله الذهب» است. همچنین، علی بن ابراهیم بن هاشم از پدرش و او نیز از ابوالحسن محمد بن یحیی فارسی روایت کرد: «یک روز، نگاه ابونواس به امام رضا (ع) افتاده، در حالی که آن حضرت بر روی قاطری سوار و از نزد مامون خارج شده بود. ابونواس به امام (ع) نزدیک شد، سلام کرد و گفت: ای فرزند رسول خدا، ابیاتی درباره شما سروده‌ام. دوست دارم این ابیات را بشنوید. امام فرمودند: بگو و او چنین گفت:

مطهرون نقیات ثیابهم تجری الصلوه علیهم اینما ذکرُوا
من لم یکن علویا حین تَنَسَّبُهُ فما لَه فی قدیم الدهر مُفْتَخِرٌ
فَالله لَمَّا بَرَى خَلْقًا فَاتَقَنَهُ صَفَاكُمُ و اصْطَفَاكُم اِيهَا الْبَشَرُ
فَانْتَمِ الْاِمْلَاءُ الْاَعْلَى و عِنْدَكُم عِلْمُ الْكِتَابِ و مَا جَاءَتْ بِهِ السُّوَرُ
(ابن بابویه، ۱۳۷۷هـ ق: ج ۱، ۱۵۵؛ ابن جوزی، ۱۲۸۵: ۳۲۱)

در این ابیات، شاعر، امام رضا(ع) را از خاندانی می‌داند که دامنشان از هرگونه گناه و آلودگی، پاک است و درود و سلام بر ایشان جاری است، هرگاه که ذکرشان به میان می‌آید. هرآن که نسبش علوی نباشد، افتخار و مباهاتی ندارد و برای او اعتباری نیست. خداوند، هنگامی که مخلوقات را آفرید و استواری‌شان داد، شما را پاک و برگزیده قرار داد. ای انسان‌های برگزیده، شما برگزیده و آگاه به همه امور هستید و هرآنچه که در سوره‌های قرآن آمده است، یکجا دارید.

نقل شده است: روزی ابونواس از خانه‌اش خارج شد و سواری را در مقابلش دید که از روبروی او می‌آمد اما صورتش را نمی‌دید پرسید او کیست؟ گفتند: او علی بن موسی الرضا (ع) است. وی در این لحظه، چنین سرود:

و عارض فیک الشکُّ اثبتک القلبُ
و لو انَّ قوما امموک لَقادهم
نسیمک حتی یستدلُّ بک الرکبُ
(ابن بابویه، ۱۳۷۲: ۳۸۴)

معنای این ابیات آن است که: اگر چشم تو را از دور نبیند و در شناسایی تو شک کند، دل شک نمی‌کند و درباره تو یقین دارد. قومی که تو را به عنوان امام برگزیدند، تو آنان را رهبری می‌کنی تا به هدایت برسند.

۲- دعبل خزاعی

از دیگر شاعران بزرگ و نامدار معاصر امام رضا(ع) که سعادت دیدار سه تن از امامان عالی‌قدر شیعه را داشت، دعبل خزاعی است. وی از جمله شاعران شیعی است که در سال (۱۴۸هـ) در کوفه متولد شد و در سال (۲۴۶هـ) به دست عوامل دستگاه خلافت عباسیان، به شهادت رسید. (مقرم، ۱۳۷۰: ۱۱۰) او شاعری آزاده، شجاع، عالم، آگاه و ژرف اندیش بود. اهل بیت پیامبر(ص) را مدح می‌کرد و در اشعارش، آنان را به خوبی، توصیف می‌کرد. (شکعه، بی‌تا: ۱۶۲-۱۶۳)

دعبل، در خراسان، به محضر امام رضا(ع) شرفیاب شد و «قصیده تائیه» که مشهورترین و بلندترین شعرش بود را انشاء نمود. هنگامی که به خدمت امام (ع) آمد، عرض کرد: با خود سوگند یاد کرده که آن را قبل از شما، برای هیچ‌کس نخوانم. این قصیده را تا (۱۲۳بیت) نوشته‌اند و به خاطر بیت اول آن، به «مدارس آیات»، شهرت یافته است:

مدارس آیات خلت من تلاوه
و منزل وحی مقفر العرصات
لال رسول الله بالخیف من منی
و بالبيت و التعریف و الجمرات

- خانه‌های اهل بیت، مدارس آیات الهی و منزلگاه وحی، در خیف و مسجد الحرام، عرفات و جمرات از تلاوت آیات الهی، خالی و خاموش مانده است و محل نزول وحی، خرابه‌ای موحش و متروک است. (قلی زاده، ۱۳۸۰: ۵۴)

دعبل، شروع به خواندن شعر کرد، تا آنکه به این بیت رسید :

و قبر ببغداد لِنَفْسِ زَكِيَّةٍ
تَضَمَّنَهَا الرَّحْمَنُ فِي الْغُرَفَاتِ
(خزاعی، ۱۴۱۷هـ.ق : ۶۱)

شاعر در این بیت، به قبر موسی بن جعفر(ع) اشاره دارد که آن نفس پاکیزه را خداوند در غرفه‌های بهشت، فرو گرفته است. سپس امام رضا (ع) فرمود: آیا در اینجا، دو بیت به اشعار تو نیفزایم تا قصیده‌ات تکمیل گردد؟ دعبل عرض کرد : بفرمایید. پس، حضرت فرمود :

و قبر بطوسِ یا لها مِن مصیبتِه
توقِّدَ فی الاحشاء بالحرقاتِ
الی الحشرِ حتی یبعث الله قائما
یفرج عنا الهمَّ و الکرباتِ
(ابن بابویه، ۱۳۷۷هـ.ق، ج ۱ : ۲۹۵)

در طوس، قبری است که از مصیبت جانکاهش، شعله‌های آتشین بسیاری بر جان می‌زند. این غم ادامه دارد تا روز قیامت، هنگامی که خداوند، «قائم عصر را برانگیزاند تا غم‌های ما را از میان بردارد.» دعبل گفت: این قبر از آن کیست؟ حضرت فرمود : «قبری و لا تنقضی الایام و الیالی حتی تصیر طوس مختلف شیعتی و زواری الا و من زارنی فی غربتی بطوس کان معی فی درجتی یوم القیامه مغفورا له : (همان: ۲۹۵) آن قبر از آن من است. شب‌ها و روزها به پایان نمی‌رسد مگر آنکه طوس، محل رفت و آمد شیعیان و زائران من گردد. هان! هر که مرا در غربت گاهم در طوس، زیارت کند، روز رستاخیز، همراه من، هم درجه‌ام خواهد بود؛ در حالی که گناهانش بخشیده شده باشد.»

بعد از آنکه اشعار دعبل به پایان رسید، امام (ع) به او ده هزار درهم و جبه‌ای از جامه‌های شخصی خود را به وی عطا کرد. (قلی زاده، ۱۳۸۰: ۵۴)

دعبل تا سال(۲۰۵هـ.ق) در خدمت امام (ع) باقی ماند و پس از شهادت آن حضرت نیز در سوگ ایشان به مرثیه‌سرایی پرداخت. دعبل در هنگام شهادت امام‌رضا (ع) در قم بود و در

عزاداری مردم قم و دوستان اهل بیت(ع) در سوگ امام رضا (ع) شرکت کرد و «قصیده رائیه» خود را در سوگ آن حضرت و هجو عباسیان سرود :

اری امیّه معذورین ان قتلوا	و لا اری لبنی العباس من عُذِر
اربع بطوس علی قبر الزکی بها	ان کنت تبرع من دین علی وطر
قبران فی طوس خیرُ النَّاسِ کُلِّهِمْ	و قبر شرِّهم، هذا من العِبر!
ما ینفعُ الرِّجس من قرب الزکی و لا	علی الزکی بقرب الرِّجس من ضرر
هیئات کلِّ امرء رهین بما کسبت	له یداه، فخذ ما شئت اوفدَر

(خزاعی، ۱۴۱۷هـ-ق : ۱۰۷)

منظور شاعر(دعبل) در این ابیات، این است که : امویان در کشتار اهل بیت(ع) می‌توانند معذور باشند، اما برای عباسیان، عذری نمی‌بینم. در کنار مرقد امام در طوس، توقف نما. و بدان هرگز برای طلب حاجتی در مکانی نظیر آن توقف نکرده‌ای.

دو قبر در طوس است(منظور شاعر، قبر امام رضا (ع) و قبر هارون خلیفه عباسی است) : یکی مرقد شریف‌ترین انسان‌ها در روی زمین و دیگری، قبر شرورترین انسان‌ها، و این، مایه پند و عبرت است. هرگز، هم‌جواری ناپاک با پاک، ضرری به امام نمی‌رساند. زیرا هر فرد، در گرو اعمال خویش است.

از سخنان من‌پندگیر یا رهایش کن. این بیت آخر از «قصیده رائیه» دعبل در سوگ امام رضا (ع)، به فرمایش خداوند در قرآن کریم اشاره دارد : «کل امر بما کسب رهین». (طور/۲۲) ؛ هر انسانی، در گرو اعمال خویش است.

شاعر، در بیت دوم، اشاره به فرمایش امام رضا (ع) دارد. هنگامی که هارون الرشید، داخل مسجدالحرام و امام رضا (ع) در بیرون از مسجد بودند، شنیده شد که حضرت می‌فرمایند : چه دور است خانه و چه نزدیک است دیدار و پیوند. ای طوس! به زودی من و او را کنار هم گرد می‌آوری و همانا ما همچون این دو هستیم. و در این موقع، دو انگشت سبابه خویش را به هم نزدیک کرد. هنگامی که حضرت (ع)، در کنار هارون دفن شد، هدف از این سخن، روشن گردید. (ابن شهر آشوب، بی تا : ج ۲، ۳۹۵)

دعبل، در «قصیده تائیه»، با الهام از حدیث منزلت که شرط امان یافتن را در پیروی از خاندان پاک پیامبر(ص) می‌داند، چنین سروده است :

فیاربِ زِدنی مَنْ یقینی بصیره
و زِدِ جِہم یا ربِّ فی حَسَناتی

پروردگارا! بر بصیرت و باورم بیفزای و محبت این خانواده را در زمره حسناتم قرار ده. (آئینه
وند، ۱۳۵۹-۱۳۶۲: ۱۳۴)

یکی از زیباترین جلوه‌های حدیث سلسله الذهب، شعری است که به روایت ابونصر محمد بن حسن کرخی بر روی سنگ مزار دعبل خزاعی حک شده است :

اعد لله یوم یلقاه
دعبل ان لا اله الا هو

قولها مخلصا عساه بها
یرحمه فی القیامه الله

الله مولاہ و الرسول و من
بعد ہما فالوصی مولاہ

دعبل را برای روزی که خدا را دیدار می‌کند و رخت از این جهان برمی‌بندد، آماده کنید. ذخیره‌اش در این دنیا، کلمه «لا اله الا الله» است که با اخلاص، به آن شهادت می‌دهد، به امید آنکه خداوند او را از دشواری‌های روز رستاخیز رهایی ببخشد، مولای او خدا و رسولش است. بعد از این دو، همانا وحی پیامبر(ص) (منظور، قرآن است)، مولای اوست. (مجلسی، ۱۳۶۳: ۲۳۲). در این سروده، شاعر با عنایت به اینکه از محدثان عصر خود بوده، با الهام از حدیث «سلسله الذهب»، راه رستگاری را در اعتقاد به «لا اله الا الله» و پیروی از پیامبر(ص) و خاندان پاک ایشان، می‌جوید، تا جایی که این قضیه مهم را بر سنگ مزار خویش فریاد می‌زند.

۳- ابراهیم بن عباس الصولی

ابراهیم، شاعر و نویسنده‌ای ایرانی است که در سال (۱۷۶هـ) در بغداد به دنیا آمد و در سال (۲۴۳هـ) در سامرا از دنیا رفت. او از جمله شاعران مداح اهل بیت (ع) بود و به تشیع گرایش داشت و در مدح امام رضا(ع) اشعار زیبایی سرود. از آثار او، می‌توان به دیوان شعرش، دیوان رسائل و کتاب‌های العطر، الطبیخ و الدوله، اشاره کرد. (اصفہانی، ۱۳۷۴: ج ۲، ۲۲۶)

هارون بن عبدالله مهلبی نقل می‌کند: هنگامی که امام رضا(ع) به ولایت عہدی برگزیده شد، ابراهیم بن عباس نزد امام رفت و چنین سرود :

ازالت عناء القلب بعد التجلد

مصارع اولاد النبی محمد

شاعر در مطلع این قصیده، ذکر می‌کند که مصیبت‌های خاندان پیامبر(ص)، آرامش و قرار دل را بعد از صبر و شکیبایی، از میان برد. امام رضا (ع)، شعر او را شنید و بیست هزار درهم، از همان سکه‌هایی که به نام او زده بودند به وی صله داد. ابراهیم از آن هدایایی که امام (ع) به وی داد، مبلغی را برای هزینه کفن و دفن خویش ذخیره کرد. (ابن بابویه، ۱۳۷۷هـ.ق : ج ۱، ۱۵۴)

وی در قصیده‌ای دیگر، چنین می‌سراید :

الا ان خیر الناس نفسا و والدا

و رهطا و اجدادا علی المعظم

اتتنا به للعلم و الحلم ثامنا

اماما یودی حجه الله تکتم

ابراهیم بن عباس در این ابیات، اجداد و نیاکان امام رضا (ع) را در زمره بهترین مردمان در شرف و بزرگی یاد می‌کند. و در بیت بعدی، مساله امامت ایشان را متذکر می‌شود که امام رضا (ع)، هشتمین امام و فرزند بانو «تکتم» است. لقب مادر امام رضا (ع)، نجمه و از اشراف عجم بود. حاکم ابوعلی، می‌گوید: دلیلی که نام مادر امام رضا (ع)، تکتم است، قول ابراهیم بن عباس در این بیت است. همچنین یادآوری می‌کند، امام رضا (ع)، معدن علم و دانش و بردباری است. ابراهیم بن عباس الصولی، امام رضا (ع) را مورد خطاب قرار می‌دهد و او را بر مامون برتری می‌دهد و چنین می‌سراید :

کفی بفعال امری عالم

علی اهله عادلا شاهدا

اری لهم طارفا مونقا

و لا یشبه الطارف التالدا

یمن علیکم باموالکم

و تعطون مم ماه واحدا

فلا یحمدالله مستنصرا

یکون لاعدائکم حامدا

فضلت قسیمک فی قعد

کما فضل الوالد الوالدا

(ابن بابویه، ۱۳۷۷هـ.ق : ج ۲، ۲۵)

معنای این قصیده، این است که امام رضا (ع)، از خانواده‌ی شریفی است که دارای عظمت و بزرگی هستند و مامون که از عباسیان است، مجد ظاهری دارد. مجد و عظمت اصلی و ذاتی کجاست؟ و مجد ظاهری کجاست؟ و خداوند، دشمنان شما را گرامی نمی‌دارد. وی همچنین ادامه می‌دهد: امام

رضا (ع) و مامون از نظر نیاکان، در انتساب به عبدالمطلب با هم مشترک بودند و بیان می‌کند که پدر تو بر پدرش عبدالله بن عباس برتری دارد.

و در قصیده دیگری می‌گوید :

لبست بالعفوه ثوب الغنی	و صرتُ امشی شامخ الراس
لستُ الی النسناسِ مُستانسا	لکننی آنسُ بالنَّاسِ
إذا رایت التیة من ذی الغنی	تَهتُ علی التائه بالیاس
ما ان تفاخرت علی مُعدم	و لا تضعضت لِافلاس

(ابن شهرآشوب، بی تا : ج ۳ ، ۴۷۱)

یعنی : امام را پاکدامن، عفیف و سربلند می‌داند و یار و یاور خلق، ذکر می‌کند، در مقابل تکبر و خودخواهی متکبران، دوری نموده و بر فقیر و مسکین افتخار نمی‌ورزید. ابراهیم بن عباس در اشعار فوق از فرمایش علی(ع) اقتباس نموده است : «ما احسن تواضع الاغنیاء للفقراء طلبا لما عندالله! و احسن منه تیهة الفقراء علی الاغنیاء اُتکالا علی الله : (علی بن ابی طالب (ع)، امام اول، ۱۳۸۶ : حکمت ۴۰۶ ، ۵۲۰) چه نیکوست فروتنی توانگران برابر مستمندان، برای به دست آوردن پاداش الهی، و نیکوتر از آن خویشتن‌داری برابر توانگران برای توکل به خداست.

اشعار شاعران فارسی زبان در مدح و رثای امام رضا (ع)

بسیاری از شاعران عرب و فارسی زبان در مدح امام رضا (ع) شعر سروده‌اند و آثار بعضی از آنها، کتیبه‌های آستان مقدس این امام همام را مزین نموده است. شاعرانی چون صبوری که به «ملک الشعراء آستان قدس رضوی» ملقب بود. و قآنی، علی سرخوش، شفائی مشهدی، مینا امیرالشعراء و دیگران که هریک با اشعار زیبای خود، گوشه‌ای از حرم مطهر امام هشتم (ع) را آراسته‌اند.

در این مقاله، از شاعران فارسی زبان، به اشعار دو شاعر مشهور یعنی : سنایی غزنوی و جامی، اشاره می‌شود که راجع به امام رضا (ع) به سرودن شعر پرداخته‌اند.

۱- سنایی غزنوی

ابوالمجد، مجدودبن آدم، متخلص به «سنایی»، از شاعران مشهور در قرن ششم هجری قمری، در شرق افغانستان زاده شد و در همین شهر در سال (۵۳۵هـ.ق) درگذشت. وی دوستدار آل علی (ع) بود و اشعارش، گواه محکمی بر تشیع اوست. (سنایی، ۱۳۷۵: ۱۴۹) او، در مدح امام رضا (ع)، سروده‌ای دل‌انگیز و استوار دارد. (محمدزاده، ۱۳۸۵: ۶۳۸) این قصیده، با مطلع زیبایی آغاز، و سپس به حدیث «سلسله الذهب» اشاره دارد و بعد از آن، به شرط توحید، که اقرار به امامت و ولایت است، می‌پردازد:

دین را حرمی است در خراسان	دشوار تو را به محشر آسان
از جمله شرط‌های توحید	از حاصل اصل‌های ایمان
زین معنی زاد در مدینه	این دعوی کرده در خراسان
سراسر جمله عالم پر امامست	امامی چو علی موسی الرضا کو؟

از خاتم انبیا درو تن	از سید اوصیا درو جان
----------------------	----------------------

بر دین خدا و شرع احمد	بر جمله ز کافر و مسلمان
(سنایی، ۱۳۷۵: ۲۸۹)	
چون او بود از رسول نایب	چون او سزد از خدای احسان
(همان: ۲۳۷)	

۲- جامی

نورالدین عبدالرحمن جامی، در سال (۸۱۷هـ.ق) در شهر خرچرد جام متولد شد و به سبب ارادت باطنی به شیخ الاسلام احمد جام، «جامی»، تخلص کرد. او شاعر اواخر عهد تیموری است که باید او را از بزرگترین شاعران ایران، بعد از حافظ به حساب آورد. از آثار منظوم او، دیوان اشعارش، هفت اورنگ، یا سبعه شامل هفت مثنوی سلسله الذهب، سلامان و ايسال، تحفه الاحرار، سبجه الابرار، یوسف و زلیخا، لیلی و مجنون و خردنامه اسکندری می‌باشد. (تفسیری، ۱۳۷۶: ۶۶۳)

در اشعار جامی، افکار صوفیانه، داستان‌ها و حکمت و اندرز به وفور دیده می‌شود. جامی، بزرگترین شاعر و ادیبی است که راجع به مدح و منقبت اهل بیت (ع)، به سرودن اشعار پرداخته است. ارادت جامی به حضرت رضا (ع) در اشعارش، متجلی است. وی در منقبت امام رضا (ع) چنین سروده است :

سلام علی آل طه و یاسین	سلام علی آل خیر النبیین
سلام علی روضه حلّ فیها	امام یباهی به الملک و الدین

درود بر خاندان پیامبر باد، درود بر خاندان بهترین برگزیدگان خدا باد. درود بر روضه‌ای باد که امام بزرگواری در آن فرود آمده، امامی که ملک و دین به وجودش مباحثات می‌کند.

امام به حق شاه مطلق که آمد	حریم درش قبله‌گاه سلاطین
شه کاخ عرفان، گل شاخ احسان	دُرُّ دُرّج امکان مه برج تمکین

(همان : ۶۶۳)

نتیجه گیری

- شاعران معاصر امام رضا (ع) با الفاظی رسا و زیبا در اشعار خود، به فضائل و مناقب آن حضرت می پرداختند.

- منور نمودن سخن و شهر به فضائل و مناقب ائمه (ع)، شیوه‌ای پسندیده و به گونه‌ای، اعتقاد و احترام به امامان بزرگوار است.

از جمله موضوعاتی که شاعران در مدح و رثای حضرت رضا (ع) در اشعار خود به آن اشاره کرده‌اند :

- مقام علمی، برتری نژاد، مظلومیت و حقانیت، سخاوتمندی، تواضع، عظمت و برگزیده شدن امام رضا(ع) از جانب خداوند، از جمله مطالبی است که در اشعار شاعران، به آن اشاره شده است.

- مشکلات امامان معصوم (ع) و غریبی امام رضا (ع)، بیان سجایای اخلاقی و کرامات، مقام علمی و مدح اجداد پاکش، فریادرس بودن آن حضرت و برتری سرزمین طوس، به خاطر وجود مرقد مطهر حضرت رضا (ع)، از دیگر مطالبی است که در اشعار شاعران، مورد توجه قرار گرفته است.

- استناد به برخی از احادیث مروی از امامان (ع) در اشعار شاعران معاصر امام (ع)، و تاثیر شعر شاعران، بر حاکمان معاصر با آن حضرت (مامون عباسی)، به روشنی وجود دارد. چنانکه پس از ورود امام رضا (ع) به خراسان، شاعران بسیاری به محضر امام (ع)، شرفیاب شدند و در مدح ایشان، به سرودن اشعاری پرداختند و مامون نیز به این خاطر، به آنان هدایایی داد.

منابع و مأخذ

۱. قرآن کریم.
۲. آقابزرگ طهرانی، محمدحسن. (۱۴۰۸ه.ق). الذریعه الی تصانیف الشیعه، ج ۳، قم: موسسه اسماعیلیان.
۳. آئینه‌وند، صادق. (۱۳۵۹-۱۳۶۲). ادبیات انقلاب در شیعه، تهران: دفتر نشر فرهنگ اسلامی.
۴. ابن بابویه، محمدبن علی. (۱۳۷۷ه.ق). عیون اخبار الرضا، عنی بتصحیح و تزییله مهدی الحسینی اللاجوردی، ج ۱ و ۲، قم: محمدرضا المشهدی.
۵. ----- (۱۳۷۲). [عیون اخبار الرضا. فارسی]، ترجمه حمیدرضا مستفید و علی اکبر غفاری، تهران: صدوق.
۶. ابن جوزی، یوسف بن قزاوغلی. (۱۲۸۵ه.ق). تذکره الخواص المعروف بتذکره خواص الامه فی خصائص الائمه (ع)، بی‌جا: مکتبه النینوی الحدیثه.
۷. ابن شهر آشوب، محمدبن علی. (بی‌تا). مناقب آل ابی طالب، ج ۲ و ۳، قم: موسسه انتشارات علامه.
۸. اصفهانی، ابوالفرج. (۱۳۷۴). الاغانی، ترجمه محمدحسین مشایخ فریدنی، ج ۲، تهران: علمی و فرهنگی.
۹. امین، سید محسن. (۱۴۰۶ه.ق). اعیان الشیعه، ج ۵، بیروت: دارالتعارف للمطبوعات.
۱۰. بستانی، محمود. (۱۳۷۸). اسلام و هنر، ترجمه حسین صابری، مشهد: آستان قدس رضوی.
۱۱. تفسیری، محمد. (۱۳۷۶). گنجینه نیاکان (از فردوسی تا شهریار)، تهران: مجمع علمی و فرهنگی مجد.
۱۲. خزاعی، دعبل بن علی. (۱۴۱۷ه.ق). دیوان، شرح ضیاء حسین اعلمی، بیروت: موسسه النور للمطبوعات.
۱۳. سنایی، مجدودبن آدم. (۱۳۷۵). دیوان حکیم سنایی غزنوی، مقدمه، شرح بدیع الزمان فروزانفر؛ به اهتمام پرویز بابایی، تهران: نگاه.

۱۴. شکعه، مصطفی. (بی.تا). الادب فی موبک الحضاره الاسلامیه، بیروت : کتاب النشر، دارالکتاب اللبنانیه.
۱۵. علی بن ابی طالب (ع)، امام اول. (۱۳۸۶). [نهج البلاغه. فارسی. عربی]، ترجمه نهج البلاغه حضرت امیرالمومنین علیه السلام، ترجمه محمد دشتی، چاپ سوم، قم : انتشارات گلستان ادب.
۱۶. قلی زاده، مصطفی. (۱۳۸۰). دعبل خزاعی شاعر دار بر دوش، قم : تبلیغات اسلامی حوزه علمیه.
۱۷. قمی، عباس. (۱۳۸۱). منتهی الآمال، ج ۱، تهران : انتشارات فراروی.
۱۸. کنگره جهانی حضرت رضا علیه السلام (اولین : ۱۳۶۳ : مشهد). (۱۳۶۵). پیام حجه الاسلام و المسلمین سید علی خامنه‌ای به نخستین کنگره جهانی حضرت رضا (ع)، [مشهد] : کنگره جهانی حضرت رضا (ع).
۱۹. مجلسی، محمدباقر بن محمدتقی. (۱۳۶۳). [بحارالانوار. برگزیده]، تهران : رضا معینی.
۲۰. محمدزاده، مرضیه. (۱۳۸۵). علی بن موسی (ع) امام رضا، قم : دلیل ما.
۲۱. مقرر، عبدالرزاق، (۱۳۷۰)، نگاهی گذرا بر زندگانی امام رضا (ع)، ترجمه مرتضی دهقان، بی جا : شرکت انتشارات میقات.
۲۲. همایی، جلال‌الدین، (۱۳۴۰)، تاریخ ادبیات ایران، تهران : نشر فروغی.

